

مذاهب اسلامی و تشیع در طول تاریخ^۱

مدخل

اسلام دینی است که در طول حیات انسان از تولد تا مرگ کوچک‌ترین و حتی کم‌اهمیت‌ترین مورد در خصوص ایمان، عبادت و رفتار او را تحت نظم و نظام درمی‌آورد و ضمن اینکه انسان را از صفات حیوانی و فروگرایی نجات می‌دهد، سعادت و سلامت افراد را در بطن جامعه به صورت مساوی تأمین می‌کند. از این روست که خداوند می‌فرماید: «هر آینه دین در نزد خدا دین اسلام است...» (آل عمران: ۱۹)

مهمترین ویژگی اسلام که می‌خواهد اختلاف تبار و قبیله و تنافر رنگ و نژاد را که در میان انسانها از طریق اعمال ظلم و غارتگری و تحکم به میان آمده است از میان بردارد، آزادی و اتفاق انسانها را فراهم سازد و عدالت مطلق و واقعی را در میان انسانها و در سراسر عالم هستی برقرار سازد، از واقعیتی نشئت می‌گیرد که در سوره جاثیه، آیه ۳۷ بدان اشاره شده است: «بزرگواری در آسمانها و زمین خاص اوست و اوست پیروزمند و حکیم.»

اسلام به تحقیر کسانی برمی‌خیزد که خود را برتر می‌شمارند و می‌گویند که آنها هرگز به گشودن دروازه‌های عظمت توفیق نخواهند یافت (اعراف: ۴۰؛ نحل: ۲۹؛ زمر: ۶۰ و ۷۲). پیامبر اسلام (ص)، بلال حبشی را مأمور کرده بود که مؤمنان را برای نماز، که ستون دین است، دعوت کند؛ سلمان فارسی را از اهل بیت شمرده بود؛ ابوذر ضعیف را از

1. Tarih boyunca İslâm mezhepleri ve şîlik. İstanbul, Der yayinlari, 2003, 733s.

واقعی‌ترین مسلمانان شناخته و او را چنین شناسانده بود. می‌فرمود که عمار فقیر همیشه با واقعیتها و حقایق دمساز است. به هنگام هجرت به مدینه در خانه ابویوب انصاری، که از فقیرترین مردان روزگار بود، رحل اقامت افکنده بود. اسلام یک دین انسانی است که افزون بر اتحاد و اتفاق انسانها، به حفظ انسانها، درختها، آبها، منابع زیرزمینی، حتی ضعیف‌ترین حیوانات و محیط زیست دستور می‌دهد و می‌خواهد همه چیز به چشم اتحاد دیده شود و به خاطر منافع مردم ارزیابی گردد. قرآن مجید، کتاب مقدس، با آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحیم» (فاتحه: ۱) شروع می‌شود.

این اتحاد و اتفاق در عصر سعادت به رغم اینکه برتری تبار و قبیله از سوی کسانی بر زبان می‌آمد، تأمین شده بود، ولی ویژگی حیوانی انسان (آل عمران: ۱۴) زیر خاکستر پنهان بود و دنبال فرصتی می‌گشت که دوباره از زیر زغال خاموش شده شعله‌ور گردد؛ فتوحات غنائم به دست آمده سبب شد که این آتش شعله‌ور گردد. از سویی، ثروت بی‌حد و حساب ثروتمندان و از سوی دیگر، سنتهای ریشه‌دار کشورهایایی که به تصرف آمده بودند و اعتقادات باقی‌مانده از ادیان کهن و ابتدایی و اندیشه‌های حاکم و سلطنت باقی‌مانده در کشورهای هند، ایران، روم و بیزانس سبب شدند که انشعاباتی در اعتقادات اسلامی پدید آمد. اختلافات طبقاتی سبب شد که طبقات ثروتمندان و فقیران، و مستضعفان و مستکبران ظهور کردند. به مسلمانان غیر عرب عنوان موالی (بردگان) داده شد. به خاطر عفو بعضی جرائم شرعی و به خاطر ایجاد تقرب معنوی به پروردگار و کسب رضای حق تعالی، به آزادگی بردگان و جاریه‌ها پرداخته شد. متأسفانه در سایه فتوحات اسلامی این اقدام غیر انسانی ریشه دوانید و صورت تجارت برده و جاریه به خود گرفت و در شهرها بازارهای ویژه فروش اسیران دایر شد. کاخهای ایران و روم و قصرها با سبک درخشان معماری عرب آراسته شدند. خواجه‌گان حرمسرا که اسلام قبول نداشت، به اتفاق، دربانها، محافظان، پرده‌دارها جای خود را در این کاخها گرفتند. مجالس عیش و نوش، که در آنها مشروبات الکلی و موسیقی رواج داشت، ترتیب یافت. اعتقادات و باورهای دوره جاهلیت، به شکلی دیگر و زیر لباس اسلام روی صحنه تاریخ آمد... حکومتها به جای قدرت ایمان، از سوی نیروهای مسلح محافظت شدند. اسلام شکل سلطنت به خود گرفت.

در جریان این تحولات از سویی گفته می‌شد مؤمن به هر گناهی دست بزند، از ایمان محروم نمی‌گردد. از سوی دیگر عده‌ای نیز معتقد بودند که گناه ایمان را می‌برد و آنهایی که به گناهان کبیره دست بزنند در جایگاهی میان ایمان و کفر قرار می‌گیرند. عده‌ای عمل را جزئی از ایمان می‌دانستند و عده‌ای دیگر برعکس معتقد بودند که هر عمل اعم از گناه و ثواب با تقدیر خدا صورت می‌گیرد. عده‌ای از تصوف جانب‌داری می‌کردند و می‌گفتند هر مخلوق بر حسب استعدادش عمل می‌کند و از این رو حق و باطل و خیر و شر را اضافی می‌پنداشتند و می‌گفتند که حق و باطل و خیر و شر از نسبت و اعتبار به میان آمده است و حتی اضافه می‌کردند که واژه «عذاب» ریشه در «عذوبت» (شیرینی) دارد و تلقین می‌کردند که اهل جهنم، در جهنم در آرامش خواهند بود. عده‌ای هم اجتهاد را در مقابل نص به شکل نامحدود درمی‌آوردند. عده‌ای دیگر آیات قرآنی را به دلخواه تفسیر می‌کردند. عده‌ای به اشاعه عقاید باطنیه دست می‌زدند و عده‌ای دیگر به تخریب اصول اسلام توسل می‌کردند. دانشمندانی که در صحنه فلسفه قرار داشتند، عالم را در نسبت به خالق حادث می‌دانستند و خالق را به سبب خلایقش قدیم می‌شمردند و عالم را «حادث قدیم» قبول می‌کردند و می‌گفتند که فقط عقل کل از سوی او صادر می‌شود و عالم از عقل کل و نفس کل، که استعداد غیر فعال آن می‌باشد، به میان آمده است و بدین وسیله از اعتقادات اسلامی به کلی جدا می‌شدند. آنهایی که این فلسفه را با تصوف درمی‌آمیختند، به این نتیجه رسیدند که امر و نهی برای حفظ نظام عالم عنوان شده و افراد کامل مقید به ملاحظه آنها نخواهند شد. این اشخاص که نبوت را به شکل مرتبه‌ای قابل وصول در عرفان می‌شمردند، وحی را الهام عقل و عقل کل می‌دانستند، خدای تعالی را «وجود مطلق» و همه موجودات را مظاهر او قبول می‌کردند. «حشر» را قدم گذاشتن گیاهان و جانوران که از آسمانها و عناصر پدید آمده‌اند و در صلب پدر و رحم مادر جمع می‌شوند و «نشر» را به صورت پراکنده شدن بدن پس از مرگ در عالم «مفردات - جزئیات» تفسیر می‌کردند و حتی معتقد به تناسخ بودند، دانسته یا ندانسته به تخریب اسلام مبادرت می‌ورزیدند.

شکی نیست که در این اعتقادات متنوع، ادیان سابق کشورهایایی که به دست مسلمانان افتاده بودند، سنتهای ریشه‌دار ملت‌هایی که اسلام را قبول کرده یا مجبور به قبول اسلام

شده بودند، و آثار فلسفی که به زبان عربی برگردانده شده و بر علم «کلام» اسلام تأثیر گذاشته بودند، مؤثر بوده‌اند. ولی مهمتر از همه اینها، نقش اساسی را سیاست و سیاستمداران بازی می‌کردند.

پیش از همه نحوه انتخاب کسی که می‌بایست در رأس مسلمانان قرار گیرد، به نام رسول‌الله بدانها دستور بدهد و جامعه مسلمان را اداره کند، پای به میدان گذاشت. گفته می‌شد که این انتخاب می‌تواند با مشورت و آراء زعمای قوم انجام گیرد، یا پنج نفر، چهار نفر، سه نفر، دو نفر و حتی یک نفر می‌تواند این انتخاب را به جای بیاورد، یا خلیفه پیشین بدین عمل دست بزند. سه خلیفه اول با توسل بدین تدابیر انتخاب شدند. بعداً با توسل به بعضی احادیث گفته شد اگر خلیفه حتی ظلم بکند، بر اموال مردم تعدی کند و به اعمال ناشایست مبادرت ورزد، به خاطر حفظ اتحاد اسلامی باید از او اطاعت کرد. در صورتی که نوشتن این گونه احادیث و روایات از دوره خلیفه اول به بعد ممنوع شده، احادیث جمع‌آوری شده، سوزانده شدند و راویان احادیث مورد ضرب قرار گرفتند. این ممنوعیت تا اواخر دوره امویان و جور و ستم عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت. مع‌الوصف عباراتی که به درد حکومت می‌خورد به عنوان حدیث نقل می‌شد و ناقلان این احادیث هدایا و جوایزی می‌گرفتند.

فراموش شده بود آنهایی که کلام غیر را به حضرت رسول اکرم (ص) منتسب می‌کردند، به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد (جامع‌الصغیر، ج ۲، ص ۱۶۵). صحابه‌ای که متولد نشده و زندگی نکرده بودند، در احادیث جای می‌گرفتند و از شهرهایی که وجود نداشتند، یاد می‌شد، حوادث ساختگی ایجاد می‌گشت، و به نقل کراماتی پرداخته می‌شد که عقل قبولشان نمی‌کرد. در این میان صحابه‌ای نیز بودند که با هم می‌جنگیدند، خونها می‌ریختند، شمع خاندانها را خاموش می‌کردند و بر یکدیگر لعنت می‌فرستادند و می‌گفتند که همه اینها را بر اساس اجتهاد انجام می‌دهند و همه صاحب عدالت مطلق هستند و در حق هیچ‌کدام به هر شکلی که باشد، انتقادی به عمل نخواهد آمد. این ذهنیت در میان طرفداران صحابه به اتفاق قبول می‌شد. بدین ترتیب میان طرفداران صحابه و طرفداران اهل بیت که حضرت رسول اکرم (ص) آنان را پس از قرآن مجید خلف و خلیفه خود تعیین کرده بود، اختلاف مهم رخ داد.

اینجا مؤکداً باید اشاره کرد آن عده از شیعه و اهل سنت که به اعتقادات افراطی متمایل نشده‌اند، برداشتهای مخرب اصول دین و ایمان را خارج از دین می‌شمارند و معتقدند که خدای تعالی از هر چیز منزّه و خالقِ واحد و بی‌همتا است، حضرت رسول برترین پیامبران و خاتم‌الانبیاست و آخرت بدون هیچ تأویل و تفسیر وجود دارد؛ اوامر و مناهای یکی است؛ غسل، وضو، تیمم، نماز، روزه، حج و زکات... واجب است. کتاب یکی و قرآن کریم است؛ قبیله بیت‌الله الحرام یعنی کعبه معظم است.

ولی متأسفانه حتی در میان خود مذاهب اهل سنت نیز سیاست که به کشتارهای دسته‌جمعی سبب می‌شد، در مسائلی نظیر آنچه که قرآن کریم مخلوق یا غیرمخلوق است، خونریزی‌هایی به میان می‌آوردند و در نتیجه میان شیعه و اهل سنت اختلاف افتاد. عباسیان که منتسب به اهل بیت - علیهم السلام - بودند و به همت طرفداران اهل بیت در مسند خلافت نشسته بودند در ظلم و ستمی که نسبت به آل علی، به عنوان رقیب خود، روا می‌داشتند چیزی کمتر از امویان نداشتند که آل محمد - علیهم السلام - و طرفدارانشان را مورد ظلم و تعدی قرار می‌دادند. تشیع و اهل سنت در دوره‌های بعد باز در میان صفویان و عثمانیان آلت سیاست شدند و تفرقه در اسلام ادامه یافت. می‌دانیم که صفویان، در دوره سلطان مراد دوم، می‌گفتند اردبیل زیارتگاه علویان ترکیه است و حتی ضمن اشاره به اینکه «ما پیش زنده می‌رویم، نه مرده» سفر به اردبیل را به مثابه زیارت حج تلقی می‌کردند. صفویان که خود را کمترین خادمان مذهب جعفری می‌دانستند، متأسفانه در مقابل علویان آناتولی و روم ایلی، وظیفه «امام» بر عهده می‌گرفتند و به وسیله خلفایی که به سرزمین عثمانیان اعزام می‌کردند، همین برداشتها را تلقین می‌کردند. در نتیجه افرادی که اعتقادات شیعه امامیه (یعنی جعفریه اثناعشریه) را به طور کامل نمی‌دانستند و این مذهب را از منابع اصلی مورد بررسی قرار نمی‌دادند و حتی کسانی که خود را عالم تلقی می‌کردند، اعتقادات علویان را به امامیه نسبت می‌دادند و غفلت را به حدی می‌رساندند که می‌گفتند تشیع از سوی صفویان ایجاد شده است.^۱

۱. در نظر داریم اثری بی‌طرف و متکی بر منابع اصلی در مورد علویگری و بکتاشگری نوشته، اعتقادات علویان و بکتاشیان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. انشاءالله توفیق تدوین این اثر فراهم گردد. آن وقت معلوم می‌شود که شیعه امامیه با این جامعه که اعتقادات باطنیه را مورد قبول و تأیید قرار می‌دهد، هیچ ارتباطی ندارد.

فتاوی‌ای بعضی از علمای خودفروخته به حکومت‌های دوران خویش امروز از سویی ارباب عقل سلیم و دینداران واقعی را به حیرت می‌اندازند و از سوی دیگر وحشت و نفرتی از خواندن آنها حاصل می‌گردد.

وقتی غرب بیدار شد و خود را جمع و جور کرد، به خاطر اینکه شرق را زیر یوغ خود درآورد و ثروتش را استثمار کند، به سیاست استعمارگری متوسل شد و مکتب شرق‌شناسی، مهمترین عامل این سیاست را احداث کرد و در نتیجه تفرقه‌ها و جداییها بیش از پیش به میان آمد. شرق‌شناسان، که نشان می‌دادند شیفته شرق هستند، به طبع ترجمه و تحلیل آثار عزیزالدین نسفی، عین‌القضات همدانی، منصور حلاج مبادرت ورزیدند. از سویی نیز با خریدن کسانی که به ظاهر مسلمان دیده می‌شدند و در حقیقت سهم و بهره‌ای از ایمان و اسلام نداشتند، به احداث ادیانی چون احمدیه، باطنیه، ازلیه و قدریه دست زدند. بدین ترتیب اسلام بیش از پیش تجزیه شد و افرادی که از اسلام جدا شده بودند به خاطر دین و مذهب به جان یکدیگر می‌افتادند. به منظور تخریب وحدت در کشورهای اسلامی و آمادگی برای فروپاشی اقتصادی، زمینه استثمار فراهم گردید. این جریان که بعضاً مرکزش را عوض می‌کند، هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

میان شیعه و سنی در اعتقادات اساسی اتفاق نظر وجود دارد. خوشبختانه دانشمندان منصف به این واقعیت پی برده‌اند و می‌دانند که دشمنی چگونه و از سوی چه کسانی به میان آمده است و ادامه می‌یابد. دو نفر که به وحدانیت و وجود خدا ایمان دارند، امت یک پیامبر هستند، حلال اسلام را حلال و حرامش را حرام می‌دانند، به احکام و دستورات یک کتاب آسمانی عمل می‌کنند، به یک قبله نماز می‌گزارند، روز حشر را تصدیق می‌کنند، اگر در فروع اختلاف داشته باشند، به اتحادی که در اساس و اصول دارند، آسیب نمی‌رسد. وحدت واقعی است که آن دو را به هم می‌پیوندد «هر آینه مؤمنان برادران‌اند. میان برادران آشتی بیفکنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحمت آرد.» (حجرات: ۱۰). به مسلمانان دستور داده شده است به کسی که بدانان سلام می‌دهد نباید بگویند «تو مؤمن نیستی» (نساء: ۹۴). «مسلمانان در دوست داشتن به همدردی و حمایت از یکدیگر، شبیه یک بدن هستند و اگر عضوی به درد آید و شکایت کند بقیه اعضا نیز به درد می‌افتند و ناراحت می‌شوند.» این حدیث شریف درس

لازم را به همه صاحبان عرفان و ایمان می‌دهد (جامع‌الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۵). حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است: «آنهایی که میان مسلمانان اختلاف می‌اندازند، از او نیستند.» (همان اثر، ص ۱۶۱)

مع‌الوصف مشاهده می‌کنیم که افرادی به تفرقه‌اندازی در میان مسلمانان دست می‌زنند و به استثمارگران کمک می‌کنند. ولی همان‌گونه که اشاره کردیم خوشبختانه عده‌ای نیز وجود دارند که در پی تأمین وحدت اسلامی هستند. مرحوم محمود شلتوت، شیخ جامع‌الزهر مصر، یکی از این افراد بود. ترجمه فتوایی را که وی در پاسخ به سؤالی درباره شیعه امامیه داده است می‌خوانیم:

«بعضی‌ها معتقدند که برای صحت اعمال و معاملات خود باید به یکی از چهار مذهب مشهور تقلید و عمل کنند و می‌گویند که شیعه امامیه و شیعه زیدیه در میان این مذاهب قرار ندارند. نظر شما در این مورد چیست. مثلاً تقلید از اثناعشریه را منع می‌کنید؟»

۱) در اسلام اتباع به یک مذهب واجب نیست و در خصوص وجوب اقتدا به یک مذهب معین چیزی گفته نشده است. مسلمان واقعی می‌تواند به هر مذهبی که اقوال و آراء صحیحش روایت شده و احکامش بر اساس آثار خصوصی آن مذهب تدوین گردیده است تقلید کند.

افزون بر آن کسی که به یکی از این مذاهب اقتدا کند، می‌تواند از دیگری تقلید کند و مانعی در این خصوص وجود ندارد.

۲) در مورد مذهب جعفریه، که به شکل شیعه امامیه اثناعشریه شناخته شده، باید گفت که عبادت بر اساس احکام این مذهب همانند عبادت بر اساس احکام سایر مذاهب اهل سنت جایز است. مسلمانان باید از این مطلب آگاه باشند و در مورد مذاهب معین تعصب نشان ندهند. همان‌گونه که دین و شریعت خدا پیروی و اتباع از یک مذهب را ایجاب نمی‌کند، اتباع ویژه یک مذهب نیز نمی‌تواند باشد. همه مجتهدان نزد خداوند تبارک و تعالی مقبول هستند. آنهایی که اهل نظر و اجتهاد نیستند جایز است از آنان تقلید کنند. پیروی از احکامی که در فقه‌هایشان تکرار شده است نیز جایز می‌باشد. در این خصوص در عبادات و معاملات هیچ تفاوتی وجود ندارد.» (قصه التقرب دارالتقرب بین

المذاهب الاسلامیه، قاهره، شوال ۱۳۷۹، ص ۱۹، محمد بن محی‌الدین حسینی الشیرازی، ترجمه گولپینارلی، «جعفریها کیستند؟»، استانبول ۱۹۶۹، صص ۱۹ - ۲۰).
 یک سال پیش در کتابهای درسی مدارس عربستان سعودی، اطلاعات نادرست در حق شیعه جای گرفته بود. علمای شیعه و نشریه «مکتب اسلام» مسئله را به اطلاع دکتر عبدالحلیم محمود، شیخ الازهر (مصر) رساندند. شیخ حسن سعید، از علمای شیعه، نیز در اثنای سفر به مصر با ایشان ملاقات کرد و مسئله را به اطلاع مشاوره رسانید. ترجمه نامه خطاب به شیخ حسن سعید بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت شیخ حسن سعید، تهران

با عرض سلام و تقاضای رحمت و برکت خداوند بر شما

دانشگاه الازهر همواره احساسات دوستانه نسبت به برادران پیرو امامیه و زیدیه نشان می‌دهد. امروز بر ماست که همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی را به اتحاد و برادری دعوت کنیم. اگر اینجا و آنجا تناقضی دیده شود، لازم است از سوی ما و شما اصلاح گردد. بدین طریق است که می‌توان به صورت پیوسته در راه صلح و صفا قدم برداشت. مطالب نامناسب در آن کتاب به حول و قوت خدا اصلاح خواهد شد. امیدواریم اگر چنین موردی نزد شما نیز موجود است، اصلاح کنید.

خداوند سعی آنانی را که در راه توحید تلاش می‌کنند قبول فرماید.

سلام و رحمت خداوند بر شما باد

عبدالحلیم محمود، شیخ الازهر

درسهایی از نشریه مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۱۱، صفر ۱۳۹۸.

(فتوکپی و ترجمه نامه، ص ۶۱)

عرضه ترجمه ترکی مکتوبات دکتر محمد محمود الفخام، شیخ سابق الازهر، حاوی نظرات ایشان در مورد اینکه اسلام باید به سوی توحید واقعی متوجه گردد و اختلافات جزئی در مسائل فرعی نباید خدشه‌ای بر وحدت اسلامی برساند را بر خود واجب می‌دانیم:

دکتر محمد محمود الفخام؛ الازهر

شیخ سعید، از علمای مبرز تهران، همراه با دانشمند و دوست بزرگوار طالب الرفاعی اظهار لطف کرده، به خانه من واقع در محله علی بن ابی طالب تشریف آوردند. این دیدار مرا به یاد سفری که در سال ۱۹۷۰ به تهران داشتم، انداخت و هیجانی آفرید. آنجا با تعداد زیادی از علمای شیعه امامیه آشنا شدم و مظهر لطف و کرم آنان قرار گرفتم. دیدار امروز نیز وسیله‌ای برای اظهار وفا و محبتشان شد. خداوند خیر و برکت نصیب آنان فرماید. در اعتقادات اسلامی، قرآن کریم است که همه ما را در خمیری واحد سرشته و به ما موجودیت داده است: «... میان برادرانتان آشتی بیفکنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحمت آرد» (حجرات: ۱۰):

خداوند سعی آنانی را که در راه تقریب مذاهب اسلامی، که به رغم همه اختلافات موجود به اعتقادی واحد وابسته هستند، تلاش می‌کنند، مشکور فرماید.

بر علمای امت است که در راه تأمین این اخوت به دستور خداوند که در قرآن کریم به صورت «لاتفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) و «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود. صبر پیشه گیرید که خدا همراه صابران است.» (انفال: ۴۶) آمده است، اطاعت کنند و با آنانی که می‌خواهند مانعی در راه ایجاد این همبستگی ایجاد کنند، مخالف و ورزند.

خداوند بر شیخ شلتوت رحمت کند که در این خصوص توجه لازم را مبذول می‌داشت که فتوای صریح و قوی در خصوص عمل به مذهب شیعه امامیه داده و گفته است که این مذهب از نظر فقه از مذاهب اسلامی است و بر استوارترین دلایل کتاب و سنت متکی می‌باشد. از خداوند می‌خواهیم برای آنانی که در این راه صریح قدم بر می‌دارند و به تقریب و اخوت میان مسلمانان و تقویت اعتقادات اسلامی می‌اندیشند، توفیق نصیب فرماید. «بگو عمل کنید. خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید و شما را به نزد دانای نهان و آشکار، خواهند برد و او را از اعمالتان آگاه خواهند کرد.» (توبه: ۱۰۵)

و آخرین دعوت چنین است: «... سپاس خدای را، آن پروردگار جهانیان» (یونس: ۱۰)

۲۱ ذی القعدة ۱۳۹۷ هـ

دکتر محمود الفخام، شیخ سابق دانشگاه الازهر

سلیمان آتش، رئیس سابق سازمان امور دیانت ترکیه، در سفر به ایران در شهرستان قم، مرکز تشیع، به دیدار آیه الله العظمی سید کاظم شریعتمداری رفت و در نماز به وی اقتدا کرد و قدمی مهم و مثبت در راه وحدت برداشت.

کتابهایی که با قصد و غرض به شکل پیشداوری نوشته شده‌اند، نمی‌توانند انسان را به واقعیت برسانند. لازم است در انتقاد واقعی از یک مذهب و یک اعتقاد به منابع اصلی آن و آثاری که بیطرفانه نوشته شده‌اند، اتکا کرد. متأسفانه برادران عزیز و پیروان اهل سنت و الجماعه در آثاری که در حق شیعه نوشته‌اند، بر پیشداوریها، سخنان مخالف و خرافاتی که به تبع از سیاست تدوین شده‌اند، اتکا کرده‌اند.^۱

امروز واقعیتی در میان است که امکان مخفی نگاه داشتنش مقدور نیست: فعالیت «سالبه» و تلاش غرب در مخالفت با اسلام هنوز ادامه دارد. این فعالیت در اماکن مختلف تغییر شکل می‌دهد و امروز اسلام پیش از هر وقت دیگر به اتحاد و اتفاق نیازمند است. مسلمانان لازم است از اختلافاتی که در فروع وجود دارد، چشم پوشند و بدانند که هدف و اعتقادی مشترک دارند و دشمنشان نیز مشترک است و دست دوستی و برادری به یکدیگر دراز کنند.

ما این کتاب را به منظور رسیدن به این اتحاد و اتفاق با اتکاء به منابع اساسی شیعه امامیه (اثنا عشریه - جعفریه) نوشتیم. دوستان ما و آنانی که در پی رسیدن به این اتحاد و اتفاق هستند از ما خواسته بودند مدخل «اثنا عشریه» را که برای دائرة المعارف ترک نوشته بودیم به طور مجزا منتشر سازیم. مدخلهایی که برای دائرة المعارفها نوشته می‌شوند، بسیار خلاصه هستند و ما خواستیم کتابی مفصل‌تر تدوین کنیم. ضمن اتکاء به توفیق الهی و توسل به حضرت رسول اکرم و اهل بیت به این کار شروع کردیم. در فصل اول کتاب در ارتباط شیعه امامیه، از دیگر مذاهب سخن به میان آوردیم. روند تشیع در طول

۱. اخیراً «رساله الاعتقادات الامیه»، تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی، شیخ صدوق، از سوی دکتر ادهم روحی فیغالی، رئیس گروه تاریخ مذاهب اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا، به ترکی برگردانده شده و از سوی دانشکده مزبور (تحت شماره ۱۴۱) منتشر گردیده است. ما این اقدام را آغازی میمون و مبارک دانسته، ضمن تشکر از مترجم، تداوم چنین قدمهای پرخیر و برکت را آرزو می‌کنیم.

تاریخ، مذاهب شیعه، دروغهایی که طی اعصار و قرون در حق شیعه گفته شده و تهمت‌هایی که بدین مذهب بسته شده‌اند و اعتقادات شیعه و اهل سنت در حق قرآن کریم را مورد اشاره قرار دادیم. در این فصل با باطنی‌گری و باطنیه و عدم ارتباط آنان با تشیع و شیعه سخن به میان آوردیم. در فصل دوم اطلاعات مجمل از مذاهب اسلامی دادیم. در فصلهای بعدی از اعتقادات اساسی شیعه، توحید، عدالت، نبوت، امامت و معاد صحبت کردیم و به شرح حال چهارده معصوم یعنی حضرت پیامبر (ص)، حضرت فاطمه الزهرا -علیها سلام- و دوازده امام -علیهم السلام- پرداختیم. ضمناً از اعتقاد مهدویت و از دروغ پردازی که خوسته‌اند از این اعتقاد بهره گیرند، نیز سخن به میان آوردیم. در آخرین فصلها تقیه و اختلافات شیعه و اهل سنت در فروع را جای دادیم. فعالیتهای شیعه در مطالب و موارد دینی و غیردینی در فصل دهم مورد اشاره قرار گرفت. بدین ترتیب این کتاب از سویی، در حق مذاهبی که از طریق اجتهاد به میان آمده‌اند، اطلاعاتی می‌دهد و از سوی دیگر، اعتقادات باطلی را که هر از گاهی به خاطر اهداف مختلف به میان می‌آیند از اعتقادات اسلامی جدا می‌سازد و تاریخ شیعه را قدم به قدم تعقیب می‌کند. تاکنون در حق شیعه امامیه کتابی به زبان ترکی بدین محتوا، که همه جوانب این مذهب را مورد مطالعه قرار دهد، نوشته نشده است. ضمن سپاس از خداوند تعالی که این توفیق را به ما عطا فرموده است، مقدمه را با تکرار دستور پروردگار که می‌فرماید: «هر آینه مؤمنان برادران‌اند. میان برادرانتان آشتی بیفکنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحمت آرد.» (حجرات: ۱۰) به پایان می‌بریم. توفیق از خدا، لطف و شفاعت از رسول اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام است.

رحمت و تحیت خدا بر خوانندگان و آموزندگان این کتاب باشد.

عبدالباقی گولپینارلی

۷ رجب المرجب ۱۳۹۸